

روسیه و گرجستان: از تعاملات تا تنش ها

دکتر رویا منتظمی*

نجمه سلیمانی کاریزمه**

چکیده

جمهوری گرجستان به دلیل واقع شدن در منطقه‌ی مهم قفقاز همواره از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده است. در این میان، روسیه از بدو استقلال گرجستان کوشیده است تا با برقراری رابطه‌ی نزدیک با این کشور، منافع خود را دنبال کند. مقاله‌ی حاضر، مطالعه‌ی است پیرامون روابط دو کشور گرجستان و روسیه و اختلافاتی که دو کشور در مسیر این رابطه داشته‌اند. پژوهشگر در این مقاله ابتدا به مهمترین دلایل اهمیت گرجستان برای روسیه پرداخته و سپس سیر تاریخی روابط دو کشور را بیان کرده است و در مرحله‌ی بعد تلاش می‌کند تا به مهمترین زمینه‌های اختلاف دو کشور و دلایل آن بپردازد. در انتهای مقاله نیز روابط دو کشور در آینده پیش بینی شده است.

واژگان کلیدی: روسیه، گرجستان، روابط، اختلافات، قفقاز

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

جمهوری گرجستان^۱ یکی از کشورهای استقلال یافته از «اتحاد جماهیر شوروی»^۲ سابق، دارای موقعیتی چهارراهی است که ارتباط شرق و غرب (اروپا و آسیا) را از طریق دالان طبیعی قفقاز^۳ برقرار می‌سازد. به عبارت دیگر این کشور در منطقه‌ی اوراسیا که مرز میان دو قاره‌ی اروپا و آسیا است، واقع شده است. گرجستان از شمال با «فدراسیون روسیه»، از شرق با «جمهوری آذربایجان»، از جنوب با «ارمنستان»، و از جنوب غربی با «ترکیه» هم مرز است؛ ضمناً در غرب این کشور نیز «دریای سیاه»^۴ قرار دارد. ویژگی‌های ژئوپلیتیک گرجستان، از نظر قرار گرفتن در وسط منطقه‌ی قفقاز و دسترسی به دریای سیاه، باعث شده که این جمهوری همواره از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برای روسیه برخوردار باشد.

۱- اهمیت سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی گرجستان برای روسیه

روند تحولات در مناطق مرزی جنوبی روسیه از سال ۱۹۹۱ به بعد باعث افزایش اهمیت گرجستان از نظر امنیتی برای مسکو شده است. سراسر مرزهای گرجستان در

-
1. Georgia
 2. Union of Soviet Socialist Republics
 3. Caucasus
 4. Black Sea

شمال با فدراسیون روسیه (شامل جمهوری های «چچن»^۱، «اینگوش»^۲، «اوستیای شمالی»^۳، «قره چای - چرکس»^۴، «کاباردا - بالکار»^۵ و نیز «آدیگه» [آدیغه]^۶) خطوط مرزی بر ستیغ کوههای سر به فلک کشیده ی قفقاز بزرگ، منطبق است که حدود ۸۰۷ کیلومتر طول دارد. از این خطوط مرزی، فقط یک گذرگاه مهم به نام «جاده ی نظامی گرجستان» از جنوب رشته کوههای قفقاز بزرگ به دامنه های شمالی وصل می شود که «تفلیس» را در دامنه های جنوبی به «ولادی قفقاز»^۷ (مرکز جمهوری خودمختار اوستیای شمالی) در دامنه های شمالی متصل می کند. اگر چه در غرب سواحل «دریای سیاه» راه آهن و شوسه نیز گرجستان را به روسیه متصل می کرد، ولی پس از اعلام جدایی «آبخازیا»^۸ از گرجستان در آغاز دهه ی ۹۰ امکان ارتباط وجود ندارد.

رشته کوه های قفقاز که از اوایل قرن هجدهم به تصرف روسها درآمده است، همچون سد طبیعی و استحکامات نظامی در مقابل دشتهای بلامعارض و بلادفاع جنوبی روسیه است. اهمیت این رشته کوه ها تا بدان جهت است که روسیه در طی دو قرن موفق شد با جنگهای گسترده ای با امپراتوری عثمانی و ایران، آن را بدست آورده و امنیت نظامی خود را از سوی جنوب تامین کند.

روسیه هم در دوره ی «تزارها» و هم در دوره ی شوروی که قلمرو قفقاز (شمالی و جنوبی) را در تصرف خود داشت، امنیت خود را در مقابل جنوب تامین می کرد. پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری های قفقاز جنوبی، مرزهای روسیه با این منطقه به ستیغ یا خط الراس رشته کوههای قفقاز بزرگ کشیده شده است که مرزهایی ناهموار

-
1. Chechen Republic
 2. Republic of Ingushetia
 3. Republic of North Ossetia
 4. Karachay-Cherkess Republic
 5. Kabardino-Balkar Republic
 6. Republic of Adygea
 7. Vladikavkaz
 8. Abkhazia

است و نگهداری از آن به جهت وضعیت پستی ها و بلندی های بسیار خشن و بریده، که از قله کوههای سر به فلک کشیده تا دره های عمیق را در بر می گیرد، بسیار دشوار و در عین حال پر هزینه است.

ضمناً در میان رشته کوههای بزرگ قفقاز و در مرز میان دو کشور روسیه و گرجستان سه گذرگاه مهم و استراتژیک وجود دارد، که برای روسیه بسیار حائز اهمیت است.

الف) گذرگاه تاریخی «داریال»^۱ (در آلان = باب‌اللان) در بلندای ۲۳۷۹ متری در مرکز رشته کوه های قفقاز بزرگ بر سر راه «جاده نظامی گرجستان» که تفلیس پایتخت گرجستان (در جنوب) را به «ولادی قفقاز» مرکز «اوستیای شمالی» در فدراسیون روسیه (در شمال) با راه های زمینی مسدود در زمستان و اوایل بهار پیوند می دهد.

ب) گذرگاه استراتژیک «مامیسونسکی»^۲ در مرکز رشته کوه های قفقاز بزرگ در بلندای ۲۸۱۹ متری میان گرجستان در جنوب و روسیه در شمال با راه های زمینی مسدود در فصول بارندگی و یخبندان.

د) گذرگاه «سوخومی - سوچی»^۳ در کرانه ی دریای سیاه با راه های زمینی و ریلی. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۰)

پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوریهای قفقاز جنوبی، روسیه به شدت احساس عدم امنیت می کرد. در دوره ی جنگ سرد که این منطقه در جبهه ی برخورد با پیمان «ناتو» بود، روسیه در «باکو»^۴ (در کرانه ی غربی دریای خزر) پایگاه دریایی و هوایی، در «قبله»^۵ (در جمهوری آذربایجان و در دامنه ی جنوبی کوه های قفقاز بزرگ) ایستگاه رادار پیشرفته، در «تفلیس»^۶ پایگاه هوایی و موشکی،

1. Darial Gorge
2. Mamisonky
3. Sukhumi- Sochi
4. Baku
5. Qabala
6. Tbilisi

در «سوخومی»^۱ (مرکز آبخازیا) پایگاه هوایی، در «باتومی»^۲ (مرکز «آجاریا»^۳ در کنار سیاه)، پایگاه زمینی، در «آخال کالاک»^۴ در جنوب گرجستان پایگاه زمینی، در «ایروان»^۵ مرکز ارمنستان، پایگاه هوایی و در قفقاز شمالی پایگاه هوایی و زمینی داشت. (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۰)

گرجستان در منطقه ی مشرف به شمال کوههای قفقاز شمالی، قرار گرفته و ویژگی هایی چون تنوع قومی، ملیتی و خصوصیات و روحیات خاص ملی و قومی را داراست. همسایگی با مناطق بحرانی چون «چچن» و «قره باغ»^۶ از دیگر وجوه خاص این کشور محسوب می شود. از دیگر وجوه مهم ژئوپلیتیکی گرجستان، امکان تاثیر گذاری بر عمق استراتژیک روسیه، بویژه در منطقه ی بسیار حساس واقع در جنوب غرب فدراسیون روسیه است. با توجه به اینکه گرجستان در جنوب فدراسیون روسیه قرار دارد، هر گونه تحول در وضعیت گرجستان به طور مستقیم در عمق استراتژیک روسیه تاثیرگذار خواهد بود.

اشراف گرجستان بر سواحل دریای سیاه و در اختیار داشتن بنادر مهمی چون «سوپسا»^۷ (بندری با اهمیت در صدور نفت و گاز) و «پوتی»^۸ (دارای استعداد ترانزیت کالا و حتی نفت و گاز) در مقایسه با دیگر کشورهای حوزه ی «دریای سیاه» و «اروپا»، از دیگر ویژگی های ژئوپلیتیکی این کشور است. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۴)

دو منطقه ی «اوستیای جنوبی»^۹ و «آبخازیا» در داخل گرجستان نیز به سبب روس

1. Sukhumi
2. Batumi
3. Adjara
4. Akhalkalaki
5. Yerevan
6. Nagorno-Karabakh
7. Supsa
8. Poti
9. South Ossetia

زبان بودن اکثریت ساکنان آنها و نزدیکی جغرافیایی با روسیه، از آغاز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مورد توجه مسکو بوده است. (امیدی، ۱۳۸۷: ۵۹)

در این میان، مناطق جدایی طلب گرجستان برای روسیه بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه از یک سو منطقه ی قفقاز شمالی که از چند جمهوری خودمختار در ترکیب فدراسیون روسیه تشکیل شده، همواره نا آرام است و هر از گاهی جدای طلبی مانند آتش در زیر خاکستر نمایان می شود، از سوی دیگر مشابهت های فراوان قومی، نژادی، زبانی و مذهبی میان جمهوری های خودمختار قفقاز شمالی و مناطق خودمختار گرجستان می تواند سبب وخیم تر شدن اوضاع در داخل فدراسیون روسیه گردد. این بدان علت است که روسیه همواره از چند پاره شدن در این فدراسیون بیم دارد. بنابراین کنترل شرایط در قفقاز جنوبی و نفوذ در مناطق جدایی طلب آن از هر حیث در جهت منافع روسیه می باشد.

۲- روابط گرجستان و روسیه

پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورها، گرجستان نیز همچون سایر جمهوری ها دارای مشکلات فراوان سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی بود. کشورهای تازه استقلال یافته ناگزیر، در بسیاری از سیاست ها تابع نظر روسیه بودند. در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- مرزبندی جدید پس از فروپاشی و تحمیل نظر روسیه درباره ی تقسیم اراضی به جمهوری ها^۱
- ۲- ایجاد جامعه ی کشورهای مستقل مشترک المنافع^۲ در سال ۱۹۹۲ و عضویت اجباری جمهوری ها در آن

۱. به عنوان مثال پس از فروپاشی شوروی از اوکراین خواسته شد تا جزیره ی کریمه را به روسیه باز گرداند.

2. CIS

۳- ایجاد پایگاههای نظامی در این کشورها

۴- قراردادهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و نظامی تحمیلی

در این رابطه می توان به قرار داد سال ۱۹۹۴ در زمینه ی ایجاد یک پایگاه دریایی در بندر «پوتی» و نیز قرارداد ماه مارس ۱۹۹۵ که برطبق آن گرجستان پیمان ۲۵ ساله ای را با روسیه، جهت ایجاد پایگاه نظامی روسیه در خاک گرجستان به امضا رساند و یا قرارداد ماه سپتامبر همان سال، مبنی بر اینکه گرجستان سه پایگاه نظامی شوروی سابق را در اختیار روسیه قرار دهد، اشاره کرد.^۱

اما این اقدامات تنها فعالیت روسیه در سالهای آغازین استقلال جمهوری ها نبود؛ بلکه این کشور در تلاش بود تا در جمهوری ها، سیاست سلطه طلبانه ی خود را همانند سالهای پیش ادامه دهد. به عنوان نمونه در گرجستان همواره می توان رد پای روسیه را در مناطق جدایی طلب دنبال کرد. دولت مرکزی گرجستان به منظور مهار بحران و خاموش کردن تنش های قومی در این منطقه ناچار به درخواست کمک از روسیه بوده است. در حالیکه نقش روسیه در این بحران همواره با اتخاذ سیاست ها و مواضع متفاوتی همراه بوده است و در برخی موارد از جدایی طلبان آبخازیا برای کسب امتیاز از دولت مرکزی گرجستان حمایت کرده است. (خاتمی خسروشاهی، ۱۳۸۳: ۲۰۷)

شواردنازه در این باره چنین می گوید:

"سیاست روسیه در قبال گرجستان، کماکان سیاست تصرف و اشغال اراضی بود. اما این سیاست به طور اصولی از سیاست گستاخانه و خونین محقق در قفقاز شمالی متفاوت بود." (شواردنازه، ۱۳۸۸: ۳۰۱)

وی معتقد است روسها همواره در تلاش در جهت منافع امپریالیستی خود بوده اند.

۱. در مورد قرارداد ماه سپتامبر ذکر این نکته ضروری است که بر طبق قرارداد مقرر شد که روسیه از آبخازها پشتیبانی نکند و در راه برقراری صلح و پیوستن این منطقه به گرجستان تلاش کند. این قرارداد توسط پارلمان گرجستان به تصویب رسید اما پارلمان روسیه هرگز آنرا به تصویب نرسانید.

اما گرجی‌ها در آن سالها راه دیگری در پیش رو نداشتند. آنان به خوبی دریافته بودند که باید در جهت استراتژی روسیه حرکت نمایند؛ چراکه در غیر این صورت روسیه مانع پیشرفت امور در گرجستان می‌شد. در آن سالها، بحران در «آبخازیا»^۱ اوستیای جنوبی و «آجاریا» همچنان شعله‌ور بود و چون گرجی‌ها به اهمیت نقش و حضور روسیه واقف بودند، سعی می‌کردند حرکتی برخلاف میل روسیه انجام نشود.^۱ عدم نزدیکی به غرب و موضع سرسختانه‌ی گرجستان در عدم پیوستن به «ناتو»^۲ نشان دهنده‌ی همین امر است. اما با گذشت زمان و ایجاد ثبات در این کشور، گرجستان به طور تدریجی از دایره کشورهای تحت نفوذ روسیه خارج می‌شد. این امر در سالهای پایانی حکومت «شواردنادزه» به خوبی مشهود است.

وقوع انقلاب گل رز در گرجستان تحولات بسیاری در نوع روابط روسیه و گرجستان ایجاد نمود. نگاه روسیه به زمامداران جدید گرجستان به دلیل سیاست‌های غرب گرایانه‌تر آنها خوشبینانه نبود. زمامداران جدید گرجستان پس از به قدرت رسیدن، بر داشتن روابط دوستانه و براساس احترام متقابل و برابر تاکید کردند. اما موضوع پیوستن گرجستان به «ناتو» و نهادهای یورو-آتلانتیکی و نیز حمایت از سیاست‌های آمریکا از یک سو و اتهامات روسیه به گرجستان و بالعکس از سوی دیگر مجدداً تنش را در روابط دو کشور ایجاد نمود.

در این میان نکته‌ی مهم این است که بر خلاف روابط سیاسی دو کشور که همواره پر تنش بوده است، روابط اقتصادی مخصوصاً میان دولت گرجستان و شرکت‌های

۱. شواردنادزه در کتاب خاطرات خود در ص ۳۹۵-۳۹۴ به تلاشهای روسیه برای ایجاد کنفدراسیون مردمان قفقاز

شمالی اشاره می‌کند که بخش‌هایی از گرجستان از جمله آبخازیا هم جزئی از آن خواهند بود.

۲. سخنان ادواردشواردنادزه رئیس‌جمهور وقت گرجستان در دیدار با ژاک شیراک رئیس‌جمهور فرانسه در ژانویه‌ی سال ۱۹۹۷ گویای همین امر است. در این دیدار شواردنادزه تاکید کرد که برای کشورش تقاضای عضویت در ناتو واقع بینانه‌ای نخواهد بود.

خصوصی روسی در سطح مناسبی دنبال شده است. به عنوان نمونه در ۲۸ دسامبر سال ۲۰۰۸ یعنی چند ماه پس از حوادث اوت، توافق نامه ای میان دولت گرجستان و شرکت روسی اینتر رانو^۱ بر سر انتقال و توزیع ۱۳۰۰ مگاوات از ۴۷۰۰ مگاوات برق گرجستان صورت گرفته است. (Doggart, 2011: 39)

همچنین روابط اقتصادی میان دو دولت نیز در سال جاری میلادی (۲۰۱۱) به گونه ای بوده است که روسیه توانسته مقام چهارم را در میان شرکای تجاری گرجستان پس از ترکیه، اوکراین، آذربایجان کسب نماید. لازم به توضیح است که حجم مبادلات تجاری میان روسیه و گرجستان در ماه ژانویه سال ۲۰۱۱، ۳۵ میلیون دلار بود که این مبادلات در همین ماه در سال قبل، بالغ بر ۲۰ میلیون دلار بود. (www.georgians.ru)

۳- اختلافات گرجستان و روسیه

اختلافات میان گرجستان و روسیه امری نیست که در چند سال پس از استقلال حادث شده باشد، این درگیری ها بسیار عمیق و ریشه ای است و ریشه های آن را نیز باید در تاریخ روابط دو کشور جستجو کرد. (www.nregion.com)

گرچی ها در طول تاریخ همواره در شرایطی که به روسها نیاز داشتند، مورد بی مهری آنان قرار گرفته اند، به همین دلیل به روسها به دیده ی منفی می نگرند. برای درک بهتر این موضوع بهتر است از شواهد تاریخی کمک گرفته شود.

گرجستان در قدیم الایام از دو پادشاهی به نامهای «کولخیس»^۲ یا «اگریسی»^۳ که سرزمینهای غربی را پوشش می داد و «کارتلی»^۴ یا «ایبریا»^۵ که سرزمینهای شرقی و

1. Inter RAO
2. Kolchis
3. Egrisi
4. Kartli
5. Iberia

جنوبی را پوشش می‌داد، تشکیل شده بود. این دو بعدها با یکدیگر متحد شده و پادشاهی گرجستان را تشکیل دادند. این پادشاهی همواره از دست اندازی همسایگان قدرتمند خود یعنی «امپراطوری ایران»، «عثمانی» و «روسیه» در امان نبود. گرجی‌ها در سال ۱۷۶۲ و در زمان شاه «ایراکلی»^۱ دوم برای دور ماندن از تجاوزات همسایگان خود تصمیم گرفتند تا با امپراطوری روسیه توافق نامه‌ای را امضا کرده و تحت الحمایه‌ی آنان شوند، تا در موقع ضرورت روسها به کمک آنان بیایند. اما در سال ۱۷۹۰ هنگامی که «آغا محمد خان قاجار» به گرجستان حمله ور شد، روسها از آنان حمایت نکردند و این اولین بی‌مهری آنان نسبت به گرجی‌ها بود. پس از آن در سال ۱۸۰۰ پادشاه روسیه «الکساندر»^۲ پسر «پاول»^۳ پسر ملکه «کاترین»^۴ با تصمیم به براندازی پادشاهی گرجستان، آنرا ضمیمه روسیه ساخت. به موجب اعلامیه‌ای که در ۱۶ فوریه ۱۸۰۱ در تفلیس منتشر شد، پادشاهی گرجستان به عنوان یکی از فرمانداری‌های روسیه اعلام شد و این سرزمین را به پنج استان تقسیم نمود. بدین ترتیب، گرجستان عملاً تحت اداره‌ی نظامی - سیاسی روسیه قرار گرفت. گرجی‌ها این مورد را نیز به خاطر نگاه داشتند.

از این زمان تا ۱۹۱۸ که «جمهوری مستقل دموکراتیک گرجستان» تشکیل شد، مردم گرجستان چندین بار دست به طغیان و شورش زدند. اما هر بار سخت‌تر از قبل توسط روسیه تزاری سرکوب می‌شدند. این کشور در ۷ می ۱۹۲۰ پیمان صلحی را با روسیه به امضا رسانید. اما اندکی بعد در ۲۵ فوریه ۱۹۲۲ ارتش سرخ (که با سرنگونی تزارها در روسیه روی کار آمده بودند) پیمان مذکور را نقض، این کشور تازه استقلال یافته را تسخیر و حکومت شوروی گرجستان را تشکیل داد. گرجستان از ۱۹۲۲ تا ۱۹۹۰ به عنوان «جمهوری شوروی سوسیالیستی گرجستان» به حیات سیاسی خود ادامه داد. این

1. Erekle
2. Alexander
3. Pavel
4. katrine

مورد بعلاوه ی موارد فوق به عنوان خیانت روسها به گرجی ها و اقدامات خشونت آمیز آنان در حافظه ی تاریخی گرجی ها ثبت شد.

در طول سالهای حیات اتحاد جماهیر شوروی نیز گرجی ها همواره از آسیب روسها در امان نبودند. «ژوزف استالین»^۱ با اینکه خود گرجی بود، در آزار هم نژادهای خود بسیار کوشید. پس از وی نیز جانشینان او در این امر کوتاهی نکردند. گرجی ها هرگز از خشونت روسها در امان نبودند. همه ی این مسائل سبب شد تا گرجی ها به روسها بدبین باشند. این موضوع هنگامی قابل درک است که بدانیم هنگامی که «ادوارد شواردنادزه»^۲ به سمت وزیر امور خارجه ی اتحاد جماهیر شوروی منصوب شد، بسیاری از هموطنان وی به او به چشم خائن می نگریستند.

تمام این موارد سبب هراس از روسها و در نهایت روس گریزی گرجی ها شد. اما جالب اینجاست که خود روسها معتقدند که گرجی ها هر زمان که از جانب همسایگان قدرتمند خود یعنی امپراطوری ایران و عثمانی مورد تجاوز قرار گرفته اند، این روسها بوده اند که به عنوان پشتیبان واقعی و متحد بالقوه در کنار آنان بوده و از تمامیت ارضی آنها دفاع کرده اند و گرجی ها باید قدردان این زحمات روسها باشند. (Yazkova, 2004)

پس از فروپاشی شوروی و استقلال گرجستان نیز گرجی ها ابتدا با جنبش ملی گرای به رهبری «زویاد گامسا خوردیا»^۳ و سپس با سیاستهای غرب گرایانه ی «شواردنادزه» سعی در دوری از روسیه داشتند.

در دوران کوتاه زمامداری «گامساخوردیا» و پس از آن در سالهای حکومت «شواردنادزه»، به علت نیاز به تعامل با روسیه و اقتصاد ورشکسته و نیز شدت یافتن جدایی طلبی ها (در اوستیای جنوبی، آبخازیا و آجاریا) و سایر مشکلات داخلی،

1. J. Stalin

2. E. Shevardnadze

3. Z. Gamsakhurdia

تفلیس ناگزیر بود، در جهت برنامه‌ها، خواسته‌ها و سیاست‌های مسکو حرکت نماید. در چنین شرایطی، گرجستان نمی‌توانست با سیاست‌های روسیه به مخالفت جدی بپردازد. اگر اختلافی هم در سیاست‌هایش با مسکو وجود داشت امکان بروز نداشت. اما مردم همواره احساسات ملی‌گرایی و ضد روسی خود را پنهان نمی‌کردند. برای کشوری ضعیف همچون گرجستان در چنین شرایطی راهی باقی نمی‌ماند تا از یک متحد قوی برخوردار باشد. گرجی‌ها این متحد را غرب مخصوصاً آمریکا و عضویت در ناتو می‌دانند.

با وقوع «انقلاب گل‌رز»^۱ و روی کار آمدن «میخائیل ساکاشویلی»^۲، وی شروع به نواختن سازی ناخوشایند برای روسیه نمود. درخواست و پافشاری تفلیس برای عضویت در ناتو، طینینی دلخراش برای رهبران کرملین بازتاب می‌کرد. اصولاً حمایت آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا از وی، شرایط ضمنی را به همراه داشت که آزاردهنده‌ترین آنها برای مسکو، حمایت بی‌چون و چرا از سیاست غرب و درخواست گرجستان مبنی بر عضویت «ناتو» محسوب می‌شود. (www.findarticle.com)

بطور کلی پس از استقلال گرجستان هر سه رئیس‌جمهور این کشور یعنی گامساحوردیا، شواردنازه و ساکاشویلی با تمام تفاوت‌هایی که با یکدیگر داشته‌اند، در یک موضوع اتفاق نظر داشته‌اند و آن بدبینی و نگاه منفی نسبت به روسهاست. (www.rg.ru)

در چنین شرایطی، گرجستان بیش از آنکه تمایل به همکاری با همسایه‌ی شمالی خود داشته باشد، علاقمند به روابط نزدیک با آمریکا، اروپا، نهادهای اروپایی و ناتوست. (Yazkova, 2004)

در این میان روسها معتقدند که گرجی‌ها تصورات اشتباهی نسبت به روسها در

1. Rose Revolution
2. M.Saakashvili

ذهن خود دارند. در ۲۷ و ۲۸ ماه مارس سال ۲۰۰۳، جمعی از سیاسیون و کارشناسان روسی و گرجی طی دیداری که با یکدیگر در مسکو داشتند، به تبادل نظر حول روابط دو کشور پرداختند. یکی از کارشناسان در این دیدار به تصورات اشتباه گرجی ها نسبت به روسها اشاره کرد. وی اذعان داشت که این تصورات در ذهن گرجی ها مخصوصا نخبگان آنان ریشه دوانده است. به نظر وی این تصورات نادرست عبارتند از:

- ۱- گرجی ها روسها را دشمن شماره یک خود می دانند.
- ۲- گرجی ها معتقدند روسیه به دنبال حضور نظامی در گرجستان است.
- ۳- روسیه به دنبال تجزیه ی گرجستان است.
- ۴- آمریکا می تواند ضامن تمامیت ارضی گرجستان باشد و مشکلات تجزیه طلبی این کشور را رفع نماید.
- ۵- گرجستان با عضویت در ناتو می تواند بر تمامی مشکلات خود غلبه نماید. (www.netda.ru)

پس از انقلاب مخملین، حوادثی نظیر بمب گذاری در تلویزیون تفلیس در زمان مصاحبه ی زنده ی سفیر روسیه، سرقت از بانک اتحاد، کارگزار اصلی بانک های روس، بمب گذاری در ساختمان دو حزب روس گرا و حمله به منزل یک کارمند سفارت روسیه، همگی از شدت تندروی های ضد روسیه حکایت دارد. (سیف الهی، ۱۳۸۲) تمامی این موارد ناشی از همان احساسات ضد روسی و بدبینی گرجی ها نسبت به روسها ناشی می شود.

در چنین شرایطی، تیم حاکمیت و شخص رئیس جمهور، رویکردی شدیدتر از اسلاف خویش در پیش گرفتند. آنها با خط و مشی غرب گرایانه و یا حداقل روس گریزانه، بیش از پیش اختلافات میان گرجستان و روسیه را نمایان ساختند. در این زمان، مسائلی همچون مناطق جدایی طلب در خاک گرجستان که تا پیش از این به نوعی میان روسیه و گرجستان حل و فصل می شد، موجب دامن زدن به اختلافات

کهنه ی میان این دو و مانند آتش در زیر خاکستر آشکار شد.

«میخائیل ساکاشویلی»، «یکپارچگی گرجستان» را به عنوان یکی از شعار های بنیادی خود مطرح کرد. وی با تاکید بر حفظ تمامیت ارضی کشور، حل این معضل (جدایی خواهی) و تجدید حاکمیت گرجستان بر آنها را از اولویت های خود قرار داد. «ساکاشویلی» توانست با مساعدت روسها «اصلان آباشیدزه»^۱ رئیس جمهوری خودمختار «آجاریا» را که از آغاز استقلال گرجستان از دولت فرمان نمی برد، در سال ۲۰۰۴ از قدرت به زیر کشد و روانه ی روسیه کند و آن منطقه را زیر فرمان دولت مرکزی درآورد. «آباشیدزه» که بارها درخواست «شواردنازه» را برای سفر به «تفلیس» و گفتگو نپذیرفته بود، پس از پیروزی «ساکاشویلی» از او فرمان نمی برد و خودسرانه عمل می کرد. (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۴۵)

اما دو منطقه ی جدایی طلب دیگر یعنی «آبخازیا» و «اوستیای جنوبی» همچنان ادعای استقلال داشته و در این میان گرجی ها، روسها را متهم به دخالت در امور داخلی گرجستان و جانبداری از جدایی طلبان می کردند.

بسیاری از تحلیلگران، حمایت روسیه از جدایی طلبان را برای سرنگونی دولت ساکاشویلی، رئیس جمهور این کشور می دانستند. این در حالی بود که مقامات روس همواره، نگرانی گرجیها را در مورد اینکه، «مسکو» تلاش دارد «آبخازیا» و «اوستیای جنوبی» را به کشورش ملحق کند، تکذیب کرده و می کنند. اما آنچه در این میان موجب نگرانی بیشتر گرجی ها می شود، این است که بیشتر ساکنان این دو منطقه، مجوز شهروندی روسیه را دریافت کرده اند.^۲ (گودرزی، ۱۳۸۶: ۴۸) همچنین پول ملی روسیه،

1. A. Abashidze

۲. روسها ادعا می کنند در منطقه ی قفقاز، ۲/۵ میلیون روس ساکن هستند. بنابراین آنان با توجه دفاع از شهروندان خود وارد صحنه های مختلف درگیری می شود.

«روبل»^۱ در این مناطق در جریان است، خطوط حمل و نقل میان روسیه و این مناطق ایجاد گشته است و روسها، با خرید املاک در این مناطق به دنبال اهداف خود هستند. اما در این زمینه، اختلاف دیگری نیز میان دو کشور بوجود آمد. این اختلاف، پیرامون نیروهای حافظ صلح روسی است. پس از فروپاشی شوروی، شرایط برای روسیه دگرگون شد. روسیه تنها با «چین» و «فنلاند» مرز مشترک دارد. لذا جهت تامین امنیت مرزها به این جمهوری ها نیاز حیاتی دارد. در واقع ارتش به عنوان مهمترین اهرم فشار و قدرت مسکو، وسیله ی اصلی پیشبرد سیاست های خارجی در جمهوری های سابق شوروی است. بدین معنی که در شرایطی که سازمانهای منطقه ای از حضور در مناقشات فرسایشی موجود در آسیای مرکزی و قفقاز طفره می روند، نیروهای پاسدار صلح روسی به رغم تحمل خسارات فراوان و نیز تلفات سنگین، در مناطق بحرانی حاضر شده تا اعتبار و نفوذ خود را گسترش داده و از این طریق به اهداف خود نائل آیند. این نیروها در مناطقی از کشورهای تاجیکستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان حضور دارند. بر پایه ی موافقت نامه های آتش بس میان گرجی ها و جدایی طلبان در مناطق «اوستیای جنوبی» و «آبخازیا» نیروهای پاسدار صلح، زیر نظر «کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا» (بعدها سازمان امنیت و همکاری در اروپا)^۲ مستقر شدند، که وظیفه ی آنها جلوگیری از رویارویی مستقیم طرفهای درگیر بود.^۳ ترکیب این نیروها که بیشتر سربازان و فرماندهان آن از روسها بودند، موجب شد، دولت گرجستان، روسیه را متهم به پشتیبانی نظامی و اقتصادی از جدایی طلبان از طریق این نیروها کند. همانگونه که پیشتر بیان شد، منطقه ی قفقاز و بویژه گرجستان از اهمیت بسیار

1. ruble (rouble)

2. Organization for Security and Co-operation in Europe(OSCE)

۳. تعداد این نیروها تنها در منطقه ی اوستیای جنوبی به ۱۵۰۰ نفر می رسید، که متشکل از نیروهای پاسدار صلح روسی، اوستیای شمالی و گرجی بود.

بالایی در سیاست خارجی روسیه برخوردار است. گرجستان به عنوان پل ارتباطی روسیه با دریای سیاه و آبهای گرم همواره جایگاه خاصی در سیاست خارجی روسیه داشته است. بر همین اساس، «مسکو» هرگز تمایلی به ترک صحنه رقابت در گرجستان ندارد. در این راستا، روسیه از تمام توان خود جهت حضور در گرجستان در سالهای پس از استقلال استفاده کرده است. چنان که گفته شد، روسیه در دوران جنگ سرد در کشورهای قفقاز جنوبی دارای پایگاه نظامی بود که از آن برای پاسداری از قلمرو خود در برابر اعضای «ناتو» استفاده می‌کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این پایگاهها به عنوان میراث به روسیه رسید.

روسها با اشاره به «منافع حیاتی و استراتژیک» که در گرجستان داشته‌اند، ادامه‌ی حضور خود در پایگاههای نظامی «دریای سیاه» و دیگر نقاط گرجستان را لازم دانستند و عدم تمایل خود را به خروج از این پایگاهها به انحاء گوناگون (از جمله ایجاد جنگ داخلی) به اثبات رسانده‌اند. (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۹۱)

این پایگاهها در سالهای پس از استقلال، همواره مورد اختلاف روسیه و گرجستان بوده است. این پایگاهها، مخزن تدارکات گروههای مسلح این کشور محسوب می‌شوند که از درآمیختن کامل با ارتش ملی خودداری و موجبات اندوه و نگرانی «ادوارد شوارد نادزه» جانشین «گامساخوردیا» را فراهم کرده بودند. همزمان با سفر «بوریس یتسین»^۱، رئیس‌جمهور روسیه در اوایل سال ۱۹۹۴ به گرجستان، مسکو گام دیگری برای افزایش حضور نظامی خود در قفقاز برداشت. «پاول کراچوف»^۲، وزیر دفاع وقت روسیه در گفتگو با رسانه‌های روسیه، از امضای یک قرارداد همکاری نظامی بین روسیه و گرجستان خبر داد. براساس مفاد این قرار داد، در پایان سال ۱۹۹۴ یک پایگاه دریایی در بندر «پوتی» ایجاد خواهد شد که وظیفه‌ی تامین امنیت روسیه و کشورهای

1. B. Yeltsin
2. P. Krachov

عضو قرارداد امنیت جمعی در قفقاز را به عهده خواهد داشت. «یلتسین» تاکید کرد تا زمانی که مشکلات قومی در «آبخازیا» و «اوستیای جنوبی» حل و فصل نشود، هیچ گونه تسلیحات نظامی در اختیار ارتش گرجستان قرار نخواهد داد. (همان، ۱۳۸۳: ۱۹۳-۱۹۱) روسها حتی عقد این قراردادها را، عاملی در جهت حل و فصل سریعتر مشکلات موجود در «آبخازیا» و «اوستیای جنوبی» عنوان می کردند. بر اساس توافق نامه ای که در سال ۱۹۹۹ در اجلاس «سازمان امنیت و همکاری اروپا» در «استانبول» به امضا رسید، روسیه قول داده بود که نیروهای خود را از پایگاههای نظامی در منطقه «سوخومی»، «آخال کلاکی»، «باتومی» و «گوداوتا»^۱ از سال ۲۰۰۱ به تدریج و در طی پنج سال تخلیه کند^۲ و در مقابل گرجستان نیز متعهد شد، این پایگاهها را در اختیار دولت دیگری قرار ندهد.

در اوایل سال ۲۰۰۰ گرجستان با تمایلاتی که برای خروج از حوزه نفوذ روسیه داشت و عمدتاً از سوی جریانها و احزاب و سیاستمداران غرب گرا هدایت می شد، خواهان پیوستن به «اتحادیه ی اروپا»^۳ است. گرجستان اکنون عضو ناظر در «شورای اروپا»^۴ شده و برای پیوستن به اتحادیه ی اروپا به انتظار ایستاده است. گرجستان با تشکیل و تقویت ارتش ملی خود و دریافت کمک های نظامی از غرب، و با مخالفت پارلمان گرجستان با ادامه ی حضور نیروهای روسی در مرزبانی و پایگاههای گرجستان، خواهان خروج ارتش روسیه از گرجستان و تحویل پایگاههای نظامی به آن کشور شد. روسیه نیز با تهدیدات غرب و پافشاری پارلمان گرجستان، ناگزیر شد از اوایل سال ۲۰۰۰ به خروج تدریجی نیروهای نظامی خود از گرجستان و تحویل

1. Gudauta

۲. روسیه نیز در مقابل، نظام لغو روادید را به طور یکجانبه ملغی و اخذ مجوز ورود به روسیه از گرجستان را با توجیه مبارزه با تروریسم الزامی کرد.

3. European Union (EU)

4. Council of Europe

پایگاههای نظامی به ارتش گرجستان اقدام کند. اما اتفاقات سال ۲۰۰۳ (انقلاب گل رز) و روی کار آمدن «ساکاشویلی» منجر به این شد که روسیه تخلیه ی پایگاهها را به آینده موکول کند. از آنجا که بحران در «آبخازیا» هنوز فروکش نکرده بود، ماموریت نیروهای پاسدار صلح نیز تمدید شد. در این سال وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که این کشور تنها زمانی نیروهای خود را از خاک گرجستان عقب می کشد که دولت گرجستان به روسیه ضمانت امنیتی بدهد.

در حالی که تفلیس خواستار برچیده شدن پایگاه های نظامی روسیه در یک مهلت سه ساله بود، روس ها تاکید داشتند که این کار در کمتر از یک دوره ۱۱ ساله ممکن نیست. (سیف الهی، ۱۳۸۲)

از جمله دلایل عدم تخلیه ی این نوع پایگاهها توسط روسیه، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- حفظ برتری نظامی در منطقه
- ۲- تامین امنیت مرزهای خود
- ۳- ایستادگی در برابر ورود نیروهای غربی به کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق
- ۴- حمایت از نیروهای هوادار خود در کشورهای شوروی سابق، مخصوصا در منطقه ی قفقاز

در توضیح مورد آخر بایستی به هواداری روسیه از جنبش جدایی طلب در «آبخازیا» به رهبری «ولادیسلاو آردزینبا»^۱ و «اوستیای جنوبی» به رهبری «ادوارد کوکویتی»^۲ اشاره کرد. روسیه سرانجام در سال ۲۰۰۶ بر اثر فشارهای دولت گرجستان، «ناتو»، «اتحادیه اروپا» و آمریکا ناگزیر شد، کار تخلیه را آغاز کند. در آن زمان روسیه اعلام کرد آخرین سرباز روس اول دسامبر ۲۰۰۷، گرجستان را ترک می کند. خروج

1. V. Ardzinba
2. E. Kokoity

پرسنل و تجهیزات نیز ۱۵ نوامبر، تکمیل می شود. مقامات ارتش روسیه همچنین اعلام کردند که تجهیزات نظامی پایگاه M ۱۲ روسیه در بندر «باتومی» گرجستان، به پایگاه M۱۰۲ ارمنستان، منتقل می شود و این پایگاه به طور رسمی در ۲۰۰۸ به گرجستان تحویل داده شد.

اکتبر ۲۰۰۶ با بازداشت پنج روس که چهار نفر از آنان افسر بودند و به آنها اتهام جاسوسی زده شده بود، روابط دو کشور تیره تر شد. روسیه و گرجستان به همین دلیل وارد مناقشه ی شدید سیاسی شدند. این موضوع سبب قطع روابط دو کشور شد. به دنبال این اقدام، روسیه سفیرش را از گرجستان فرا خواند و برخی دیپلمات ها و خانواده هایشان را نیز از این کشور خارج کرد و اعتراض رسمی به سازمان ملل ارایه کرد. «سرگئی لاوروف»^۱ وزیر دفاع روسیه، گرجستان را به عنوان یک کشور دزد محکوم کرد. سفارت روسیه در گرجستان نیز خدمات صدور ویزا را متوقف و به روسها توصیه کرد به کشور خود بازگردند. (Piechko, 2006)

در چنین شرایطی، روسیه خواستار مداخله ی «شورای امنیت» شد و «ولادیمیر پوتین»^۲ رئیس جمهور آن، مقامات دولت گرجستان را شدیداً مورد حملات لفظی خود قرار داد.

روسیه مرزهای خود را به روی گرجستان بست، جریان گاز به گرجستان را قطع کرد و در عین حال تحریم هایی در زمینه ی حمل و نقل و امور پستی، علیه گرجستان اعمال کرد و مهاجران گرجی ساکن در این کشور را دستگیر و یا اخراج کرد. با توجه به اینکه شمار زیادی از گرجی ها در روسیه زندگی و کار می کنند و درآمد خود را برای خانواده هایشان در داخل کشور ارسال می کنند، این برخورد ضربه ی سختی به اقتصاد ناتوان گرجستان وارد آورد.

1. S. Lavrov
2. V. Putin

به گفته‌ی «پوتین» در روسیه بیش از یک میلیون گرجی تبار بسر می‌برند که سالانه ۲ میلیارد دلار از درآمدهای خویش را روانه‌ی کشورشان می‌کنند و روسیه این توانایی را دارد که از انتقال این پولها برای تزریق به اقتصاد بیمار گرجستان که بشدت به آن نیازمند است، ممانعت به عمل آورد. (یاسری، ۱۳۸۲)

از سوی دیگر، برخی فرآورده‌های گرجی که خریداران خوبی در روسیه داشت، با تنش در روابط دو کشور، بازار روسیه را از دست داد. همچنین برخی از شرکت‌های گرجی فعال در روسیه نیز تعطیل شدند. زیر فشار شهروندان گرجی و دولت روسیه، رئیس‌جمهور گرجستان ناگزیر از تحویل دیپلماتهای روسی به کشور ثالث یعنی وزیر امور خارجه‌ی «بلژیک» به عنوان رئیس دوره‌ای «سازمان امنیت و همکاری اروپا» شد. در این میان حتی آزادی افسران روس نیز به کاهش تنش میان دو کشور کمک نکرد.

لازم به توضیح است که روسها معتقد بودند گرجستان (مخصوصاً رئیس‌جمهور این کشور، ساکاشویلی) پیش از این مورد نیز دست به اقداماتی مشابه، برای متشنج ساختن روابط با روسیه زده است. «آلکسی مکارکین» معاون مدیر کل مرکز فن‌آوری سیاسی روسیه، دستگیری گروههای مخالف دولت و طرفدار روسیه در اوایل سپتامبر ۲۰۰۵، متهم کردن روسیه به شرکت در انفجار خط لوله‌ی گاز در سال ۲۰۰۶ و حادثه در خطوط انتقال برق گرجستان که به قطع کامل برق پایتخت این کشور در ژانویه‌ی ۲۰۰۶ منجر شد، را از جمله‌ی این اقدامات می‌دانست. وی عقیده داشت که، «ساکاشویلی» می‌خواهد مشکلات سیاست داخلی خود را با روش آزمون شده‌ی قدیمی، یعنی بسیج جامعه در مبارزه با یک دشمن خارجی، حل نماید.

در اینجا باید به ناآرامی‌های سال ۲۰۰۷ و اعتراضات مخالفان نسبت به «ساکاشویلی» اشاره کرد، که باز هم وی روسیه را به دامن زدن به این ناآرامی‌ها و تحریک مخالفان رئیس‌جمهور، متهم کرد.

از جمله دیگر اختلافات دو کشور می‌توان به موضوع مسیر انتقال انرژی حوزه‌ی

«دریای خزر»، اشاره کرد. در توضیح این مطلب باید گفت که، با احداث خط لوله ی «باکو - تفلیس - جیحان»^۱ و «باکو - تفلیس - ارزروم»^۲ اهمیت گرجستان به عنوان حلقه‌ی ارتباطی «دریای خزر» به «دریای سیاه» با هدف کنترل منابع عظیم انرژی منطقه توسط غرب، پررنگ تر خواهد شد. زیرا بخش اصلی این خط لوله برای انتقال نفت «دریای خزر» به «دریای مدیترانه»^۳، از خاک گرجستان عبور می کند. اما آنچه بیش از همه حساسیت و نگرانی مسکو را بر می انگیزد، سیاست ها و اقدامات واگرایانه مقامات گرجستان برای کاستن از نفوذ تاریخی روسیه، در منطقه بود. از جمله مهم ترین این اقدامات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- فعال سازی سازمان کشورهای گوم^۴ در مخالفت با حضور روسیه در قفقاز^۵
- ۲- تقویت و گسترش همکاری سیاسی - امنیتی با نهادهای غربی به ویژه شورای اروپا و ناتو و ورود نیروهای آمریکایی به منطقه ی قفقاز
- ۳- همکاری نزدیک گرجستان با مخالفان روسیه در اوکراین و حمایت آشکار از «ویکتور یوشچنکو»^۶ برای به ثمر رساندن «انقلاب نارنجی»^۷
- ۴- پشتیبانی از چچنی ها در نبردشان با دولت مرکزی روسیه^۸ و باز گذاشتن راه دسترسی آنها به جهان بیرون از کنترل روسیه در دره ی «پانکیسی»^۹

1. BTC

2. BTE

3. Mediterranean Sea

4. GUAM

۵. گرجستان، اوکراین، مولداوی، ازبکستان و آذربایجان سازمان همکاری گوم را در برابر سازمان کشورهای مستقل مشترک المنافع تشکیل دادند که البته بعدها ازبکستان از آن خارج شد.

6. V. Yushchenko

7. Orange Revolution

۸. روسها ادعا می کنند که گرجستان با پشتیبانی از تجزیه طلبان چچنی، در پی ضربه زدن به روسیه است. بر این اساس دولت گرجستان (هم دولت قبلی و هم دولت فعلی) با حمایت از جدایی طلبان چچنی، برای آنان مکانهایی جهت استراحت، معالجه و آموزش در دره پانکیسی فراهم آورده است.

9. Pankassi valley

۵- مخالفت با پیوستن روسیه به سازمان بازرگانی جهانی (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۴۴)

۶- تلاش برای عضویت در ناتو^۱

۷- تامین تسلیحاتی گرجستان و تعلیم نظامیان این کشور توسط آمریکا

۸- تشکیل پیمان ضد روسی «ترابوزان»^۲ میان گرجستان، آذربایجان و ترکیه

۹- اعلام آمادگی گرجستان برای میزبانی از سامانه های دفاع موشکی آمریکا

اختلافات دو کشور سرانجام در ۷ اوت ۲۰۰۸ منجر به روی دادن جنگی کوتاه و محدود میان این دو شد. این درگیری که در منطقه اوستیای جنوبی (استان جدایی طلب گرجستان) به وقوع پیوست، ابتدا با حمله ی ارتش گرجستان به نیروهای حافظ صلح روسی و روستاهای اوستیایی آغاز و سرانجام با دخالت روسیه به اوج خود رسید. روسها که به بهانه ی کشته شدن اتباع خود وارد صحنه ی درگیری شده بودند، به سرعت به داخل خاک گرجستان پیش روی کرده و تا نزدیکی تفلیس پایتخت گرجستان پیش رفتند. این جنگ سبب کشته شدن ۱۵ سرباز و زخمی شدن ۳۰ سرباز پاسدار صلح روسی در آغاز حمله ی گرجی ها و کشته شدن حدود دو هزار غیر نظامی، شد. بنابر ادعای ارتش گرجستان در این عملیات حدود یکصد نفر از نیروهای گرجی نیز کشته شدند. پس از آتش بس نیز روسیه استقلال دو منطقه ی خود مختار اوستیای جنوبی و آبخازیا را به رسمیت شناخت.

نتیجه گیری

گرجستان تا سال ۱۹۹۱ جزئی از اتحاد جماهیر شوروی بود و با فروپاشی این اتحاد به استقلال دست یافت. این کشور برای روسیه از اهمیت فوق العاده ای

۱. در سال ۲۰۰۸ این موضوع در گرجستان به همه پرسى گذاشته شد که بیش از هفتاد درصد از شرکت کنندگان به آن رای مثبت دادند.

2. Trabzon

برخوردار است؛ از جمله مهمترین دلایل اهمیت گرجستان می توان به مسئله ی هم مرزی با شش جمهوری خودمختار در قالب روسیه و نیز مجاورت با دریای سیاه اشاره کرد. از زمان فروپاشی شوروی، روسیه به شدت از سمت جنوب احساس عدم امنیت می کند. گرجستان به دلیل تنوع قومی، مذهبی و نژادی و نیز اشتراکاتی که با جمهوری های خودمختار روسیه دارد، همیشه امکان اثر گذاری بر تحولات این مناطق خود مختار را داشته است، به همین سبب روسیه همواره در تلاش بوده است تا تحولات گرجستان را تحت کنترل خود درآورد. دریای سیاه نیز با قابلیت ترانزیت انرژی برای روسیه مهم تلقی می شود. همین دلایل موجب می شود تا روسیه از بدو استقلال گرجستان به دنبال روابط مستحکم با این کشور باشد. اما روابط دو کشور طی دو دهه ی اخیر فراز و نشیب بسیاری را تجربه کرده است. مخصوصا پس از تحولات سال ۲۰۰۳ که با عنوان انقلاب گل رز معروف شد، اختلافات ریشه ای دو کشور نمایان تر شد. از جمله مهمترین دلایل اختلاف دو کشور می توان به موضوع حمایت روسیه از مناطق جدایی طلب گرجستان (آبخازیا و اوستیای جنوبی) اشاره کرد. از موارد دیگر اختلاف دو کشور نزدیکی گرجستان به غرب مخصوصا آمریکا و از همه مهمتر درخواست جهت عضویت در ناتو می باشد. روسیه به دلایل بسیار مخالف حضور ناتو نزدیک مرزهای خویش است.

لازم به توضیح است که اختلافات دو کشور از زمان انقلاب گل رز به وجود نیامده است؛ بلکه از آن زمان اختلافات عمیق و ریشه ای دو کشور از حالت نهان به حالت آشکار رسید و نهایتا در اوت ۲۰۰۸ به اوج خود رسید و سبب رویارویی نظامی دو کشور و جنگ محدود میان آنان شد. این اختلافات که ریشه در تاریخ روابط دو کشور دارد سبب بدبینی گرجی ها نسبت به روسها شده و در نتیجه موجبات نزدیکی آنان به غرب را فراهم آورده است.

اما نکته ای که در این میان حائز اهمیت است این است که در سالهای اخیر

مخصوصاً پس از انقلاب گل رز روابط دو کشور بازتابی از روابط روسیه و آمریکا در درجه ی اول و روسیه، اروپا و ناتو در درجات بعد است. به عبارت دیگر هر گاه روابط روسیه و غرب مخصوصاً آمریکا بهبود یافته است، روسیه در مقابل گرجستان موضعی نرم تر اتخاذ کرده است و هر گاه روابط این دو به سردی گرائیده است، روابط روسیه و گرجستان نیز پر تنش دنبال شده است.

پیش بینی آینده ی روابط دو کشور

پیش بینی روابط سیاسی دو کشور حداقل تا زمانیکه زمامداران فعلی بر سرکارند کار چندان مشکلی نیست. به نظر نمی رسد دو کشور در آینده ی بتوانند روابط نزدیکی داشته باشند. تا زمانیکه ساکاشویلی در گرجستان و پوتین یا مدودف^۱ در روسیه بر سر کار باشند، به دلیل عدم انعطاف در مقابل یکدیگر نمی توان به آینده ی روابط دو کشور امیدوار بود. از یک سو ساکاشویلی به شدت بدگمان نسبت به روسیه و متمایل به غرب و خواستار پیوستن به ساختارهای یورو- آتلانتیکی و عضویت در ناتوست، از سوی دیگر زمامداران روسیه نیز با مخالفت در مقابل عضویت گرجستان در ناتو و نزدیکی به غرب هستند. بنابراین به دلیل اینکه طرفین حاضر نیستند هر گونه نرمشی از خود در مقابل یکدیگر نشان دهند، نمی توان در آینده ی نزدیک انتظار روابط مناسبی از دو کشور داشت.

منابع

- ۱- امید، علی، (۱۳۸۷) "ابعاد بین المللی بحران گرجستان و آثار آن بر منافع ملی ایران"، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۵۱-۲۵۲
- ۲- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۳) **گرجستان در گذر تاریخ**، تهران، نشر و پژوهش شیرازه
- ۳- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۸۷) "منطقه ی حائل بین غرب و روسیه کمربندی به نام قفقاز"، روزنامه اعتماد
- ۴- خاتمی خسروشاهی، ابراهیم (۱۳۸۳) **کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع CIS ویژه ی ملاحظات سیاسی خارجی امنیتی روسیه**، تهران، انتشارات موسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- ۵- سیف الهی، آرمان، "گرجستان، محل تلاقی منافع مسکو و واشنگتن در منطقه"، روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۴ دی ۱۳۸۲
- ۶- شوارد نازده، ادوارد (۱۳۸۸) **تامل در گذشته و آینده**، ترجمه علیرضا اصلانی، پروین تواضع، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
- ۷- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، **افسانه ی انقلابهای رنگی**، تهران، انتشارات موسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- ۸- گودرزی، مهناز، "روابط روسیه و گرجستان"، **بولتن برنامه ی اوراسیای مرکزی**، سال سوم، ش ۸، تابستان و پاییز ۱۳۸۶
- ۹- یاسری، غلامحسین، "منظومه تغییرات با قدرت توطئه"، **روزنامه ی اعتماد**، ۲۷ آذر ۱۳۸۲
- 10- C.Doggart, "Russian Investments in Georgia's Electricity Sector", **International Association for Energy Economics**, 2011, from: <http://www.iaee.org/en/publications/newsletterdl.aspx?id=128>
- 11- (Piechko) В. Печко, "Россия и Грузия на грани конфликта", 28 сентября 2006, из: <http://www.vz.ru/politics/2006/9/28/50715.html>
- 12- (Yazkova) А. Язькова, "Кавказ и Россия Из истории российско-грузинских отношений", **Вестник Европы**, No 11,

- 2004, из: <http://ricolor.org/europe/gruziya/gr/ist/4/>
13- www.findarticle.com
14- www.georgians.ru
15- www.netda.ru
16- www.nregion.com
17- www.rg.ru

Archive of SID